تعامل انسان و اطلاعات، جلد۴ شماره ۲
http://hii.khu.ac.ir
مقاله اصیل پژوهشی

تحلیلی قرآنی در تبیین مدل ابهام گریزی انسان به عنوان یک مدل توصیفی از رفتار انسان

علی عبدالهی نیسیانی: دکترای مدیریت دولتی گرایش رفتار سازمانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
a.abdollahy@gmail.com
علی رضائیان: استاد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۲
پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۶

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر دستیابی به مدل توصیفیِ عوامل موثر بر رفتار ابهام‌گریزی انسان، براساس تحلیل آیات قرآن کریم می‌باشد. در منابع علمی مرتبط با رفتار انسان مطرح شده که بوسیله منابع علمی رایج، تعداد معدودی مدل توصیفی کامل از رفتار انسان بدست آمده که پاسخگوی نیازهای علمی نیست. بعلاوه رفتار ابهام‌گریزانه انسان از پدیده‌های بسیار تکرار شونده انسان بوده و در علوم مختلف مرتبط با رفتار انسان بسیار مورد استفاده است.

روش پژوهش: در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و مرتبط با اهداف تحقیق، آیات مرتبط شناسایی و سازماندهی شده، مورد بررسی قرار گرفته و در سه سطح متفاوت انتزاع، کدگذاری شدند. بدین وسیله مدل ابهام‌گریزی مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های لغوی آیات، دقّت‌های ادبی (صرفی و نحوی) و همراه با استناد به منابع معتبر تفسیری و پس از تأیید خبرگان توضیح داده شده است.

یافته‌ها: هشتصد و چهارده آیه از قرآن کریم مرتبط به مدل‌های توصیفی رفتار انسان میباشند و برخی از این آیات مستقیما به رفتار ابهام‌گریزی انسان پرداخته‌اند. مدل ابهام‌گریزی که مبتنی بر تحلیل قرآن کریم ارائه شده یک مدل کامل توصیفی از رفتار انسان است که تمامی ابعاد لازم از یک مدل توصیفی علمی را دارد و بنابراین با چهارچوب نوع ایده‌آلِ مدل‌های توصیفی رفتار انسان قابلیت انطباق پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری: این مدل علّت اصلی ابهام‌گریزی انسان را اجتناب او از عدم‌اطمینان در تأمین مطلوبیت‌هایش بیان می‌کند. از مهم‌ترین پدیده‌هایی که موجب این عدم اطمینان در افراد می‌شود تغییر شرایط است. انسانها در مقابله با این تغییر شرایط دست به رفتارهایی چون انکار اصل تغییر، تفسیر غیر شدید بودن تغییر، مقاومت در برابر تغییر می‌زنند. همچنین واکنش‌های رفتاری انسان در مقابله مستقیم با ابهام شامل روشن سازی، اقدام به پوشش ریسک، و افزایش تسلط بر منابع است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوای کیفی، قرآن، تغییر، مدل توصیفی رفتار، مدل ابهام‌گریزی

مقدمه

این نوشتار به دنبال ارائه یک مدل جدید از رفتار انسان‌هاست. البته لزوما «ابهام گریزی» یک رفتار پرتکرار و قابل مشاهده در زندگی روزمره اطرافیان ما می‌باشد اما ارائه یک ساختار علمی پذیرفته شده از این رفتار، جدید می‌باشد. این ساختار علمی تحت عنوان «مدل توصیفی رفتاری انسان» مطرح شده است. بوسیله تعریف دقیقتری که از مفهوم مدل توصیفی رفتار ارائه می‌شود امکان بررسی آیات قرآن کریم و در نهایت استنتاج مدل ابهام گریزی انسان مهیا می‌گردد. از این رو در در بیان مسئله چرایی نیاز به مدل‌های توصیفی رفتار انسان در علوم مختلف به خصوص علم مدیریت رفتار سازمانی توضیح داده می‌شود، و بیان می‌شود که رویکرد تحلیلی این پژوهش در رجوع به منبع وحی –که غیر بشری است– یک ضرورت بوده است. در ادبیات نظری، مفهوم مدل و مدل توصیفی بیان شده و سپس به ارائه ساختار نوع ایده آل مدل توصیفی رفتار انسان می‌پردازد. نوع ایده آل، یک چارچوب جمع بندی کننده است که در آن ساختار علمی و الزامات مفهومی انواع مدل‌های توصیفی رفتار انسان به صورت یکپارچه منعکس شده‌اند. بدین وسیله، بر مبنای تحلیل آیات قرآن کریم و به صورت تدریجی ابعاد مدل رفتاری ابهام گریزی استخراج و توضیح داده می‌شود. یعنی در ابتدا تصویری اجمالی از کلیت ساختار مدل توصیفی که قرار است در طی تحلیل آیات توضیح داده شود مشخص شده و بر اساس آن، با تحلیل آیات قرآن کریم، مدل رفتاری را نهایی کرده و به صورت ترسیمی نمایش می‌دهد. در قسمت جمع بندی تمامی نکاتی که از تحلیل آیات قرآن کریم در مورد مدل ابهام‌گریزی بدست

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

آمده‌اند به صورت یکپارچه در چارچوب نوع ایده آل مدل‌های توصیفی رفتار انسان بازنویسی و ارائه می‌شوند.

بیان مسئله و سوالات تحقیق

علم مدیریت رفتار سازمانی را از زمره «علوم ناموفق» می‌دانند (*Hersey & Blanchard*، ۱۹۷۷، ص ۱-۲). ریشه مشکلات علوم ناموفق مشترک است و آن «دشواری مدل کردن رفتار انسان» است. هرچه هدف علوم بیشتر مربوط به تغییر در رفتار انسان‌ها باشد (در علوم رفتاری) وظیفه دشوارتری داشته و البته ناموفق‌تر بوده‌اند (*Hersey & Blanchard*، ۱۹۷۷، ص ۲). به همین دلیل در میان علوم مختلف، این مشکل برای مدیریت رفتار سازمانی بیشتر و چالشی‌تر است. زیرا این رشته (بنا به ماهیت خود) مستقیماً به دنبال «پیش‌بینی رفتار انسان» و «کنترل رفتار او» است (*Olguín & others*، ۲۰۰۹؛ *Chandan*، ۲۰۰۵، ص ۱۳). مدیریت رفتار سازمانی در «پیش‌بینی رفتار انسان» نیازمند وجود «مدل‌های توصیفی رفتار انسان»[1] و در «کنترل رفتار انسان» نیازمند وجود «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» می‌باشد. به علاوه، در نظام نظریه پردازی، «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» نقش زیرساختی داشته و بوسیله آن‌هاست که امکان توسعه «مدل‌های تجویزی رفتار انسان» نیز مهیا می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که در علم مدیریت رفتار سازمانی به عنوان یک علم به اصطلاح «ناموفق»، از کلیدی‌ترین چالش‌های نظریه پردازی و توسعه علم، **کمبود** مدل‌های توصیفی رفتار انسان است که متناسب با موضوعات مورد نیاز در این علم توسعه داده شده باشند. بنابراین علم مدیریت رفتار سازمانی به تناسب تعریف و ماهیت خود از نیازمندترین علوم در بهره برداری از «مدل‌های توصیفی رفتار انسان» می‌باشد (*Nadler & Tushman*، ۱۹۸۰).

از سویی دیگر اهمیت تحلیل علل و عوامل ابهام گریزی انسان، در مباحث مدیریت و سازمان آشکار است. زیرا مدل ابهام‌گریزی به مطرح‌ترین و مهم‌ترین موضوعات مورد توجه امروز مدیریت یعنی تغییر، ابهام و اطمینان می‌پردازد. اطمینان مبنای بسیاری از نظریات شناخته شده همچون نظریه کاهش عدم اطمینان[2] و نظریه ناهماهنگی شناختی[3] می باشند. همچنین موضوع ابهام و تغییر-همچون ابهام و تغییر موجود در محیط و یا پیش‌بینی ناپذیری متغیرهای درون و بیرون سازمان- و چگونگی مدیریت آن‌ها از موضوعات اساسی دهه‌های اخیر مدیریت بوده‌اند. برای این موضوع گرایش‌های تخصصی در علم مدیریت -مانند مدیریت تحول، مدیریت ریسک و مانند آن‌ها- ایجاد شده‌اند و مباحث مدیریت تغییر، مدیریت ابهام، پیش‌بینی ناپذیری، نظریه آشوب، جایگزینی استراتژی به جای برنامه ریزی، سازمان‌های یادگیرنده، نگرش سیستم‌های پویا به جای سیستم‌های ایستا به محیط، رویکرد مکاتب جدید استراتژی بجای مکاتب قدیمی‌تر آن همگی در این مطلب ریشه دارند.

در یک جمع‌بندی مشخص می‌شود علم مدیریت برای توسعه نظری خود نیازمند توسعه مدل‌های توصیفی رفتار انسان می‌باشد. تولید این مدل‌ها مشکل است و علیرغم استقبالی که فضاهای علمی از این مباحث داشته‌اند هنوز خلأ نظری نسبی در این زمینه وجود دارد. در همین راستا فهم دقیق از علل و شرایط موثر در کنش رفتاری انسان در ابهام گریزی از دغدغه‌های مهم رشته مدیریت می‌باشد. از سویی دیگر، یکی از سرمایه‌های اصلی که مدیریت اسلامی می‌تواند خود را با آن متمایز کند قابلیت بهره برداری از منبع غنی علم الهی در ارتقا و تکمیل دانش و درک بشری است. این تحقیق به دنبال کاهش این خلأ نظری با استفاده از قرآن کریم می‌باشد؛ که در صورت امکان استفاده از این منابع، تأثیر محدودیت‌ها و تحلیل‌های ناقص بشری به حداقل رسیده و خطوط روشنی را برای دیگر بررسی‌های علمی آشکار می‌سازد.

بنابراین، به صورت مشخص این پژوهش به دنبال این سوالات است که با رجوع به منبع آسمانی اسلام یعنی قرآن حکیم، بیان کند که:

- چه عواملی منجر به ایجاد احساس عدم اطمینان در انسان می‌شوند؟
- رابطه میان این عوامل در ایجاد عدم اطمینان چگونه است؟
- واکنشهای رفتاری انسان در قبال این عوامل و همچنین عدم اطمینان چگونه می‌باشد؟

ادبیات نظری

برای کسب درک صحیحی از مدل توصیفی رفتار انسان لازم

[1] در این نوشتار «مدل‌های رفتار» و «مدل‌های رفتاری» هر دو به معنی «مدل های توصیفی رفتار انسان» می باشند که به اقتضای متن از آن ها استفاده می‌شود.

[2] جهت اطلاع از مبانی نظری نظریه کاهش عدم اطمینان (Uncertainty Reduction Theory) و نقشی که ابهام ادراک شده انسان در آن دارد، به عنوان نمونه ر.ک: Kellermann & Reynolds، ۱۹۹۰؛ Brashers، ۲۰۰۱؛ Planalp & others، ۱۹۸۸.

[3] جهت اطلاع از جایگاه ابهام در مبانی نظری نظریه ناهماهنگی شناختی (Cognitive Dissonance Theory) به عنوان نمونه ر.ک: Festinger، ۱۹۵۷؛ Festinger، ۱۹۵۹؛ Festinger، ۱۹۶۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

است که مفهوم «مدل» و «مدل توصیفی» تعریف و جایگاه آن‌ها در علم مدیریت مشخص شود. بدین وسیله می‌توان در بخش‌های بعدی مفهوم، ابعاد و جایگاه مدل‌های توصیفی رفتار انسان را در علم مدیریت بیان نمود.

۱. مدل

یکی از ابعاد اصلی «مدل توصیفی رفتار انسان»، «مدل» بودن آن است. برای آن که مفهوم مدل بیشتر درک شود بایستی به مفهوم نظریه یا تئوری بیشتر دقت شود. نظریه، به تبیین نظام‌مند روابط بین پدیده‌ها می‌پردازد (نیومن، ۱۳۸۹). یعنی نظریه (یا همان تئوری) نشان دهنده نظامی از روابط بین پدیده‌ها، مفاهیم و ساخت‌هاست که در آن نظریه بیان می‌شود که چگونه مفاهیم، خصیصه‌ها و ساخت‌ها با یکدیگر ارتباط داشته و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. نظریه‌ها به دنبال پیش‌بینی رفتار چیزها و کنترل آن‌ها هستند و هدف اصلی‌شان نیز همین می‌باشد (شومیکر، ۱۳۸۷، ص. ۱۸) . مدل‌ها اصلی‌ترین بخش نظریه‌ها هستند و این قرابت بین آن‌ها به گونه‌ای است که این دو را گاهی معادل یکدیگر می‌دانند و به جای هم بکار می‌برند (*Kaplan* ، ۱۹۶۴، ص ۲۶۴؛ *Severin & Tankard* ، ۱۹۹۷، ص ۴۵). زیرا نظریه‌ها آن نظامی را که می‌خواهند بین پدیده‌ها بیان کنند به وسیله مدل‌ها بیان می‌کنند (باران و دیویس، ۱۹۹۵، ص ۲۵۱). یعنی مدل‌ها در تعریف دقیق علمی خود (در انواع مدل‌های ریاضی، ترسیمی، نوشتاری و ...)، همان خروجی و محصولِ بروز یافته فرآیند نظریه پردازی هستند (*Carlile & Christensen*، ۲۰۰۵).

۲. مدل توصیفی رفتار انسان

موضوع اصلی علم مدیریت رفتار سازمانی، تبیین (مدل) رفتار انسان در ساحت سازمان می‌باشد (*Griffin & Moorhead*، ۱۹۸۶، ص ۸). مدل‌های رفتار انسان از مباحث اساسی در مدیریت رفتار سازمانی هستند؛ زیرا مدل «تبیین کننده روابط علّی موثر بر رفتار انسان می‌باشد» و از مفروضات بنیادین علم مدیریت رفتار سازمانی این است که رفتارهای انسان علّت یا علّت‌هایی دارد که این علم به شناسایی و معرفی آن‌ها می‌پردازد (*Nadler & Tushman*، *1980*؛ *Robbins & Judge*، ۲۰۱۳، ص ۱۱). ساختار علمی «مدل توصیفی رفتاری انسان» با توجه به ماهیت توصیفی و هدف پیش‌بینی کننده آن، به این صورت می‌باشد (عبدالهی نیسیانی، علی؛ ۱۳۹۴):

«انسان‌ها معمولا به علّت شرایط مشخصِ محیطی و یا حالات درونیِ x، به صورتِ مشخصِ y رفتار می کنند»

X و Y در عبارت فوق بیان‌گر متغیرهایی هستند که می‌توانند مقادیر و مفاهیم مرتبط متفاوتی را به خود بگیرند. به عبارتی دیگر، متغیر X، شامل انواع شرایط محیطی یا حالات درونی است که برای انسان ایجاد می‌شود و به عنوان علّت می‌تواند بر رفتار او تأثیر بگذارد (مثلا حالتی که انسان احساس می‌کند در شرایط ضرردهی قرار گرفته). از سویی دیگر، متغیر Y، همان نوع رفتاری است به عنوان معلول X از خود بروز

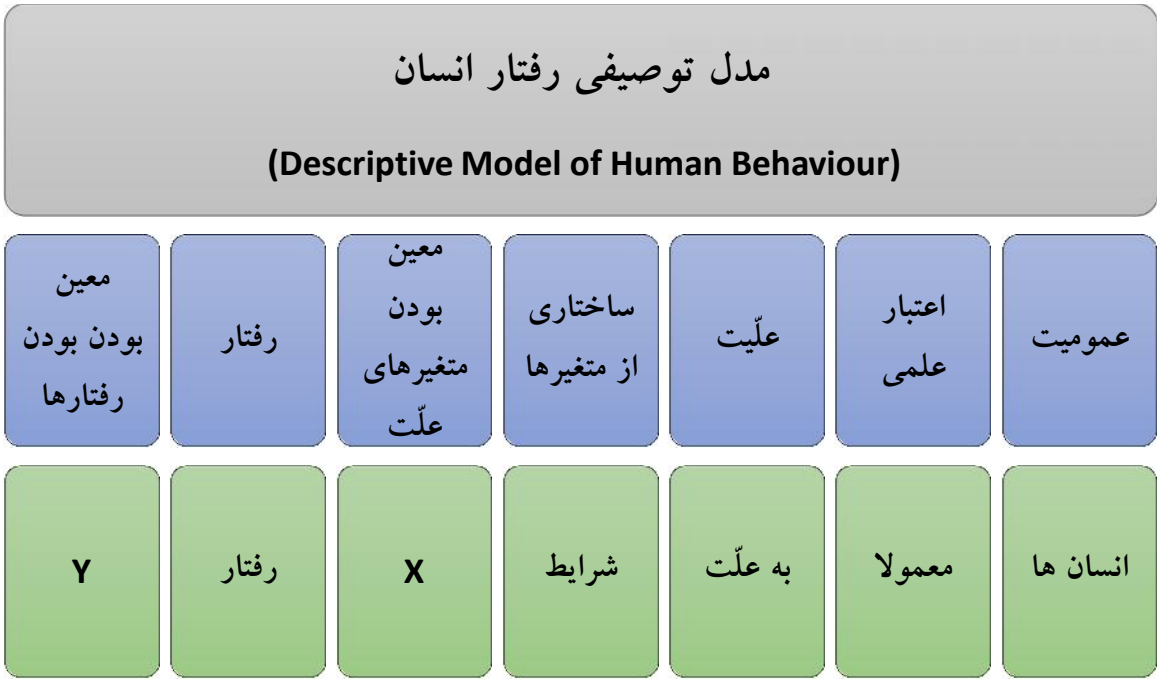

نمودار ۱. نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان

تعامل انسان و اطلاعات
جلد چهارم، شماره دوم، ۱۷-۳۰
http://hii.khu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

نام مدل		انسان‌ها معمولاً به علت شرایط مشخص...	بدین صورت مشخص رفتار می‌کنند که...	منابع معرفی‌کننده مدل
مدل عقلانیت محدود	*Bounded Rationality*	تحت تأثیر شرایط محیطیشان یا حالاتشان، شامل: اطلاعات محدود، محدودیت‌های ذهنیشان، رضامندی، پیچیدگی محیطی، راضی شدن به کافی، عوامل سیاسی، عدم توان پیش‌بینی تبعات تعمیم در آینده، ...	در تصمیم‌های خود بدنبال خوب هستند و نه بهینه (تصمیم‌های رضایت بخش به جای بهترین تصمیم)	(*Simon*، ۱۹۵۵؛ *Simon*، ۱۹۵۷ *a* و *b*؛ *Simon*، ۱۹۷۹؛ *Simon*، ۱۹۹۱؛ *Kahneman*، ۲۰۰۳)

نگاره ۱. نوع ایده‌آل مدل توصیفی عقلانیت محدود

می‌دهد (مثلا در تصمیمات با ریسک بیشتری را اتخاذ می‌نماید). براساس ساختار علمی ارائه شده می‌توان نوع ایده‌آل مدل توصیفی رفتار انسان را ارائه داد (نمودار ۱). نوع ایده‌آل[1]، بیانگر گزاره‌ای ایده‌آل است که تمامی شرایط لازم را برای مدل توصیفی رفتار انسان بودن در خود دارد و آن را در قالب ساختار علمی نیز نشان می‌دهد. نوع ایده‌آل با هدف تسهیل در نمایش نظریه ارائه می‌شود و خودش یک نظریه نیست و صرفاً به صورت ملموس‌تر وروشن‌تر ساختار نظریه‌ها را نمایش داده و آن‌ها را قابل رصد و جستجو می‌نماید.

«انسان‌ها معمولا به علت شرایط X رفتار Y دارند» همان ساختار علمی مدل توصیفی رفتار انسان است که قبلا به آن اشاره شد. در نوع ایده‌آل نشان می‌دهد که چگونه هفت شاخص عمومیت، اعتبار علمی، اعتبار علمی، وجود رابطه علّی معلولی، وجود متغیرهای اثرگذار بر رفتار و همچنین معین بودن آن‌ها، وجود یک رفتار بروز یافته از انسان و همچنین معین و مشخص بودن آن رفتار، بوسیله این ساختار علمی رعایت شده است. از این رو، هر نظریه یا مدلی در مورد رفتار انسان‌ها که بتواند مطابق با ساختار علمی فوق ادعایی را بنماید، یک مدل توصیفی از رفتار انسان را ارائه کرده است (همان). مثلا یکی از مدل‌های شناخته شده از رفتار انسان مدل عقلانیت محدود می‌باشد که سایمون توانست با ارائه آن جایزه نوبل اقتصاد ۱۹۷۸ را از آن خود سازد. این مدل در چهارچوب نوع ایده‌آل به صورت زیر بازنویسی شده است:

به وسیله ساختار «نوع ایده‌آل مدل‌های توصیفی از رفتار انسان»، جستجو و یافتن مدل رفتاری در قرآن کریم برای این پژوهش بیشتر میسّر شد.

روش

روش تحقیق مبنا برای انجام این تحقیق، «روش تحلیل محتوای کیفی» با رعایت الزامات و ضمائم مطرح در «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» بوده است. «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»[2] به طور تخصصی به بررسی یک موضوع در قرآن کریم پرداخته و علاوه بر تجویزی[3] و گام به گام بودن، با نیازهای موجود در روش‌های تحقیق علمی رایج متناسب‌سازی شده است.

چگونگی تطبیق مراحل روش تحلیل محتوای کیفی و گام های روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن در نگاره ۲ قابل مشاهده است.

همان گونه که مشاهده می شود تمامی مراحل روش تحلیل محتوای کیفی در گام های اصلی و فرعی روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن لحاظ شده اند. با این لحاظ که این مراحل به صورت تخصصی متن قرآن کریم بازتعریف شده اند. بر این اساس تمامی گامهای ذکر شده در روش تحقیق محتوای کیفی با رویکرد قرآنی –که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود– اجرا شد. بدین صورت که، در پژوهش حاضر، ۸۱۴ آیه قرآن کریم در قالب ۶۳ ردیف تحقیقی مورد بررسی قرار گرفتند. از میان این آیات، ۶۳ آیه اصلی –یعنی آیه‌های حاوی کلیدواژه «انسان»– و بقیه آیه‌های فرعی در اطراف این آیه‌های اصلی بوده‌اند. از این آیه‌ها ۶۶۶ نکته مفهوم یابی شدند. این مفاهیم هرکدام طبق ساختار روشی خود در زیر هر کدام از ردیف‌های ۶۳ گانه سازماندهی شدند. همچنین مفاهیم مرتبط با یکدیگر در حدود ۲۱۵۰ مرتبه به یکدیگر ارجاع داده شدند و به این صورت یک شبکه مفهومی یکپارچه میان این مفاهیم بدست آمد. این مفاهیم بدست آمده بوسیله ۲۷ نوع کد مختلف در سه سطح مختلف، ۹۰۰ بار برچسب زنی شدند تا

1 Ideal Type

[2] ر.ک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۱.

[3] Prescriptive

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

گامهای روش تحلیل محتوای کیفی	گام های روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن	
	گام های اصلی	گام های فرعی
۱. درک کافی از موضوع، جمع‌بندی و مشخص نمودن پرسش‌هایی که باید با رجوع به متن به آن‌ها پاسخ داده شوند. ۲. انتخاب نمونه‌هایی از متن یا متون که باید مورد تحلیل قرار بگیرند. ۳. کدگذاری، دسته‌بندی کدها و انتزاع از آن‌ها در قالب مقوله‌ها و تم‌ها. ۴. تحلیل نتایج حاصل از کدگذاری.	۱. آماده سازی و ورود به تحقیق ۲. مفهوم یابی از آیات و ثبت مفاهیم	• شناخت موضوع تحقیق • انتخاب کلیدواژه پژوهش • تدارک فهرست آیات اصلی و سیاق • آمار و ارقام مربوط به کلیدواژه موضوع پژوهش • تهیه کاربرگ های بررسی و تحلیل • تلاوت مکرّر آیه • بررسی مفاهیم درونی آیه • بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن
۳. کدگذاری، دسته‌بندی کدها و انتزاع از آن‌ها در قالب مقوله‌ها و تم‌ها. ۴. تحلیل نتایج حاصل از کدگذاری. ۵. تعیین اعتبار و پایایی	۳. ارزیابی و بازنگری، نتیجه‌گیری	• بازنگری سراسری مفاهیم بدست آمده • مراجعه به متون تفسیری • کدگذاری، انتزاعی سازی کدها و سازماندهی مفاهیم • بررسی قابلیت اطمینان پژوهش

نگاره ۲. رویکرد تطبیقی در گام های روش تحلیل محتوای کیفی در قرآن

ردیف ۳۶

لا یَسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَیْرِ وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَیَؤُسٌ قَنُوطٌ

۴۹-فصّلت-۴۱ (۴۵-۵۴)

۱.	سأم دو مفهوم همزمان أزردگی (ملاله) و رنجوری (تضجّر) را دارد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۵، ص ۱۰).
۲.	سیری ناپذیری و شدت مطلوبیت طلبی: انسان همیشه نسبت به طلب خیر (مطلوبیت) انگیزه دارد. او هیچ وقت در طلب خیر (مطلوبیت) دلزده، دل آزرده وبی انگیزه نمی‌شود. این شدّت و سیری ناپذیری انسان را در مطلوبیت طلبی می‌رساند. (لا یسأم) (مرتبط با ۳۶-۱۰) (مطلوبیت طلبی انسان-و انّه لحبّ الخیر لشدید: ۲-۷)
۳.	اگر انسان احساس کند که نامطلوب به او رسیده (و ان مسّه الشرّ) دیگر انتظار دریافت خیری را ندارد و بی توقع می‌شود (یئوس) و اصلاً ناامید می‌شود. (قنوط) (مرتبط با نکته ۳۶-۱۰: وجود ارتباط با مدل ردیف قبل که البته در همین رکوع و سیاق است) (مفهوم مرتبط در مدل رفتاری ۲۵-۷) (مرتبط با ۳۶- ۱۵: حساسیت به نامطلوب)
۴.	یأس یعنی انتظار نداشتن مثلاً در قرآن می‌گوید و اللائی یئسن من المحیض من نسائکم (زنانی که دیگر انتظار حیض شدن ندارند) (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۱۴، ص ۸) یکی از نکات جالب یأس ناظر به آینده بودن آن است. یعنی دیگر در آینده نکته مثبتی را نمی‌بینند.
۵.	قنط یعنی نومید شدن (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج۹، ص ۳۶۱)
۶	انتساب یا تملّک تمامی مطلوبیت: انسان تمایل دارد که مطلوبیت‌هایش را تمام کمال به دست آورد (لایسأم الانسان من دعاء الخیر) و این میل در هنگام سود پس از ضرر قبلی تشدید می‌شود. اگر انسان پس از آن که

نگاره ۳. نمونه‌ای از یادداشت‌های تجزیه و تحلیل آیات

پژوهش بتواند به به اهداف خود نائل شود.

نمونه‌ای از چگونگی انجام تجزیه و تحلیل مستند مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی در متن قرآن در نگاره ۳ منعکس شده است. در این نگاره نمونه‌ای از برگه‌های یادداشت و نحوه تجزیه، سازماندهی مفاهیم، ارجاعات متقابل بین مفاهیم، نحوه کدگذاری تصویری در سطوح مختلف نشان داده شده است:

همچنین اعتبار علمی این پژوهش مبتنی بر رعایت معیارهای روش تحلیل محتوای کیفی تأمین شده است. به عبارتی دیگر، این پژوهش چون مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی بوده است برای کسب قابلیت اطمینان[1] علمی در گام‌های خود به توصیه‌های خاصی در مراحل روش تحقیقی خود باید توجه می‌کرده است (*Zhang & Wildemuth*، ۲۰۰۹). یعنی، قابلیت اطمینان علمی در یافتن مدل ابهام گریزی در رفتار انسان، بوسیله اقدامات زیر تأمین شده اند: انجام تحقیق مقدماتی در قرآن کریم در یافتن کلیدواژه‌های ورود به تحقیق، پژوهش مفصل در تعیین شاخص‌های عینی برای شناسایی مدل‌های توصیفی رفتار انسان، تعداد زیاد و قابل قبول کلیدواژه و آیات بررسی شده، انطباق و مستندسازی

1 Trustworthiness

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

ابهام گریزی	انسان در شرایطی که احساس می‌کند ابهام و یا تغییری در روند رفتاری پدیده‌ای رخ داده و یا رخ خواهد داد، به تناسبی که آن پدیده را مؤثر بر مطلوبیت‌های خودش بداند احساس عدم اطمینان داشته و برای رفع آن...	• یا با تغییر مقابله می کند که شامل: انکار تغییر، تفسیر سوگیرانه و تعدیل کننده تغییر، مقاومت در برابر تغییر می‌باشد • و یا برای رفع ابهام اقدام می کند که شامل: تلاش برای روشن سازی ابهام، پیشگیری از ابهام آینده بوسیله پوشش ریسک، افزایش تسلط خود بر منابع می‌باشد

نگاره ۴. توضیح اجمالی مدل

نکات بدست آمده از متن با منابع مختلف و معتبر تفسیری، ارائه نتایج تحقیق و اخذ نظرات تعداد زیادی از کارشناسان مرتبط در زمینه‌های معارف اسلامی، مدیریت، اقتصاد و روانشناسی[1]، دقت در انتخاب واحدهای معنای تحلیل بر اساس تعیین رکوعات قرآنی (سیاق آیات)، افزایش دقت تحلیل متن قرآن کریم با استفاده از نرم‌افزارهای مربوطه و آشنایی چندین ساله با ابعاد روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و اجرای کامل مراحل آن.

بحث و تحلیل یافته‌ها

این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است و بنابراین مطابق با آن چه که در روش تحقیق ذکر شد، در نهایت تجزیه و تحلیلهای خود حاوی تعداد زیادی نکات مفهوم یابی شده از متن قرآن کریم به همراه کدهای برچسب زده شده بوده است. در این قسمت این نکات بدست آمده به صورت استدلالی (صغرا و کبرای استدلالی) به صورتی در کنار هم قرار گرفته اند که در نهایت آنها مدل‌ابهام گریزی قابل نتیجه گیری بوده و سوالات پژوهش نیز پاسخ داده شوند.

۱. توضیح مقدماتی مدل ابهام‌گریزی

به منظور فهم بهتر نکاتی قرآنی که در این نوشتار در استخراج مدل ابهام‌گریزی ارائه می‌شود در اینجا – در نگاره ۴– به صورت مختصر و اجمالی برخی ابعاد مدل ابهام‌گریزی انسان ارائه شده است؛ تا تصویری کلی نسبت به نتیجه بحث به دست آید و البته در نهایت این نوشتار این مدل به صورت دقیق‌تر و کامل‌تر ارائه خواهد شد[2].

تبیین قرآنی مدل

برای تبیین مناسب‌تر این مدل لازم است که در ابتدا ویژگی «تدبیرگری» انسان روشن شود. یعنی طبق آیات متعددی می‌توان فهمید که انسان موجودی است که در صدد یافتن راه حل و تدبیر و چاره برای حلّ مسائل و چالش‌های خود می‌باشد. مثلا، در آیات متعددی نشان داده می شود که انسان مطلوبیت طلب است و نسبت به مطلوب و نامطلوبش حسّاسیت دارد. یعنی در برابر تغییرات آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. از جمله آیه‌هایی که نشان می‌دهد انسان مطلوبیت طلب است آیه ۸ سوره عادیات (وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيرِ لَشَديد) می‌باشد؛ و همچنین آیه‌هایی چون آیه ۴۹ سوره فصّلت (لا يسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَيرِ وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيؤُسٌ قَنُوط) از جمله شواهدی هستند که حسّاسیت انسان را به مطلوبیت و نامطلوب نشان می‌دهد. همچنین در آیاتی چون آیه ۴۸ سوره فصّلت این نکته بدست می‌آید که هدف اصلی و غایی انسان حداکثر کردن مطلوب‌هایش است (لا يسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَيرِ). به علاوه، هنگامی که انسان در وضعیت نامطلوب قرار می‌گیرد به «چاره جویی» و «تدبیر» برای رفع این نامطلوب و نزدیک شدن به مطلوبیت خود می پردازد. که در آیه ۵۱ سوره فصلت بیان میکند: «وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَريض»؛ انسان به تکاپو می‌افتد و شروع به توسعه و تقویت رابطه وابستگی خود می‌کند. این چاره جویی برای دوری از نامطلوب و نزدیک شدن به مطلوبیت انسان، بیانگر ویژگی «تدبیرگری» انسان است. در قرآن کریم در مواردی بیان شده که انسان محاسبه می‌کند و این محاسبه‌هایش هم برای دوری از نامطلوب و یا نزدیکی به مطلوبیت است؛ حتّی اگر با سوگیری یا انحراف همراه باشد (يَقُولُ أَهْلَكْتُ مالاً لُبَداً. أَ يَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ)[3]. همگی این‌ها نشان‌گر آن است که انسان تدبیرگر است و برای موفقیت خود راهبردهایی می‌اندیشد. مثلاً سعی می‌کند از منابع و ظرفیت‌های در اختیار خود برای نیل به هدف استفاده نماید. به همین دلیل مواردی از تدبیرگری انسان را بخوبی در آیه‌های بیان کننده وابستگی انسان به منابع می‌توان مشاهده نمود. همچنین اِعمال محدودیت در دسترسی دیگران به منابع تحت اختیار خود برای آن که خطری متوجه انسان در نیل به اهدافش نباشد، نیز نوعی تدبیرگری اوست که در آیه‌هایی چون آیه ۱۰۰ سوره اسراء (قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكونَ خَزائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذاً لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفاقِ) و یا آیه ۲۰ سوره معارج (وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيرُ مَنُوعا) به این نوع تدبیرگری انسان صراحت دارند. این تدبیرگری انسان یک ویژگی ذاتی انسان است و محدود

[1] در داخل و خارج از کشور.

[2] تأکید می شود که مطالب ارائه شده در این قسمت، به صورت خلاصه به ابعاد مهم این مدل رفتاری انسان اشاره می کند و توضیح کامل مدل نهایی شده در پایان ارائه می شود. (ر.ک. نگاره ۵)

[3] سوره بلد، ایات ۶ و ۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

به دنیا نمی‌شود. مثلاً در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره قیامت می‌فرماید که انسان در روز قیامت وقتی می‌بینند که شرایط نامناسبی حاکم است، در پی فرار از شرایط نامطلوب می‌باشد تا فشار پیامدهای نامطلوب را از روی خود بردارد (یقُولُ الْإِنْسانُ یوْمَئِذٍ أَینَ الْمَفَرُّ. کلاَّ لا وَزَرَ). مصادیق تدبیرگری انسان در قرآن کریم بسیار زیاد است و تقریباً می‌توان تمامی رفتارهای انسان که به نوعی در راستای نزدیکی بیشتر به مطلوبیت و یا دوری از نامطلوب است را به تدبیرگری انسان نسبت داد. یعنی انسان به وسیله تدبیرگری خود است که سعی می‌کند که به مطلوب‌هایش نائل شود.

در همین راستا، از بیان قرآن کریم می‌توان فهمید که یکی از مهم‌ترین چیزهایی که انسان باوجود آن در رسیدن به مطلوب‌هایش احساس خطر می‌کند، «ابهام» است. ابهام، برای انسان به معنای عدم آگاهی نسبت به پدیده‌هایی که در فراروش قرار دارند می‌باشد. به همین دلیل آیه ۴ و ۵ سوره رحمان بیان می‌کنند که تدبیر انسان برای کاهش ابهام، از ویژگی‌های اساسی در اوست. آیه ۴ سوره رحمان می‌فرماید که انسان برای کاهش ابهام قابلیت تدبیرگری داشته (عَلَّمَهُ الْبَیان) ؛ و این تدبیرگری انسان برای رفع ابهام یکی از ویژگی‌های بنیادین انسان می‌باشد (چون مربوط به خلقت انسان است) که خداوند به او اعطا نموده است (خَلَقَ الْإِنْسان- عَلَّمَهُ الْبَیان) (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج۲۸، ص ۱۳). بیان در این آیه به معنای رفع ابهام است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه. ق، ج۱۹، ص ۹۵[1]) ؛ و بنابراین «عَلَّمَهُ الْبَیان» به معنای آن است که خداوند تدبیر چگونگی رفع ابهام را به انسان آموخته است[2] (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۱، ص ۳۹۵).

ابهام برای انسان به عنوان خطر در از دست دادن مطلوب‌ها تفسیر می‌شود. همچنین، انسان نمی‌تواند در شرایط ابهام، تدبیر کند و راهبرد بیاندیشد. انسان به همین دلیل به شدّت ابهام گریز است و بدنبال آن است که تا جای ممکن فراروی خودش را آشکار نماید. این نکته‌ایست که آیه ۵ سوره قیامت می‌فرماید: «بَلْ یریدُ الْإِنْسانُ لِیفْجُرَ أَمامَه». در آیه بعدی (آیه ۶) ابعاد ابهام گریزی انسان بیشتر روشن می‌شود. در آیه ۶ می‌فرماید به همین دلیل است که انسان در مورد آینده خود در زمان وقوع قیامت کنجکاو است و تفحص می‌کند (یسئل ایّان یوم القیامه). این آیه از «الانسان» استفاده کرده و در مورد نوع انسان است و بنابراین در پی بیان یک قاعده عمومی در مورد انسان می‌باشد؛ و در نتیجه دو آیه ۵ و ۶ می فرمایند که انسان می‌خواهد (یرید الانسان) برای رفع ابهام خود (یسئل) پیش رویش را (امامه) کندوکاو و تفحص نماید (لیفجر). کلمه فجر به معنای بازکردن به همراه آشکار شدن است، یعنی بازکردنی که موجب آشکار شدن چیزی گردد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۹، ص ۳۲) [3]. همچنین أمام به معنای هرچیز قابل توجهی است که در پیش روی انسان قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۱، ۱۴۹) [4]. بنابراین لیفجر امامه در این آیه همزمان دو معنای معتبر دارد: ۱- معنای اول فجر به معنای اطلاع یافتن و رفع ابهام می‌باشد و امام به معنای زمان آینده است. بنابراین «لیفجر امامه» یعنی انسان می‌خواهد در آینده‌ی پیش رویش کندوکاو کند؛ که این معنای قدر متیقّن و مورد اتّفاق مفسرین است و همانگونه که اشاره شد آیات بعدی نیز مؤیّد آن می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۲۰، ۱۶۵؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ص ۲۷۴). ۲- معنای دوم هم در همین راستاست که در ادامه معنای اول می‌باشد ومورد نظر برخی مفسّرین می‌باشد و بیشتر حالت استنباطی از سیاق قرآن دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۲۰، ص ۱۶۵)، فجر در این جا به معنای باز کردن موانع بوده و امام به معنای مسیر پیش روی انسان و حاوی مفهوم «همیشگی» می‌باشد. بنابراین معنا، «لیفجر امامه» یعنی انسان می‌خواهد از هرگونه قید و بندی (که از نتایج باور به روز جزا است) خلاص شود و بدین ترتیب برای همیشه بتواند گناه نماید. مفسرین این معنای دوم را با توجه به «بل اضرابیه» که در ابتدای این آیه است بیان می‌کنند. «بل» به معنای «بلکه» می‌باشد و در پاسخ به آیه ۳ سوره قیامت است که انسان آن جا ادّعا می‌کرده امکان جمع کردن استخوان و ایجاد روز قیامت وجود ندارد (أَ یَحْسَبُ الْإِنْسانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظامَهُ). بنابراین معنای آیه این گونه می‌شود که: نخیر! بلکه انسان می‌خواهد فراروش را باز کند (لْ یُریدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَه) (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۲۰، ۱۶۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، ۲۷۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۱۵، ۱۵۳) [5]. به عبارت دیگر معنای اولی که از «لیفجر امامه» ارائه می‌شود (رفع ابهام از آینده پیش رو) با توجه به آیه بعدی بوده است؛ و معنای دومی که از «لیفجر امامه» ذکر شده (رفع موانع پیش رو) با توجه به آیه قبلی بوده است. همچنین باید توجه شود که آیه اطلاق دارد و در مقام بیان

[1] و قوله: «عَلَّمَهُ الْبَیانَ» البیان الکشف عن الشیء.

[2] یکی از مصادیق بیان، سخن گفتن است ولی معنای بیان که رفع ابهام است اعمّ از آن است (حقی بروسوی، بی‌تا، ج۹، ص ۲۸۹).

[3] أنّ الأصل الواحد فی المادّة (فجر) هو انشقاق مع ظهور شیء.

[4] امَامَ- بالفتح ظرف بمعنی الجانب الّذی یقابل الخلف. فهذه الجهةُ ما بین یدی الإنسان و فی قبال الوجه، فتکون موردا للتوجّه دائماً

[5] همچنین ر.ک.قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۲۰؛ هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص: ۴۲۲.

تعامل انسان و اطلاعات
جلد چهارم، شماره دوم، ۱۷-۳۰
http://hii.khu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

یک نکته تحلیلی در مورد عموم انسان‌هاست (بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَه). در نتیجه، اگر همزمان به آیه‌های قبل و بعد توجه شود، همچنین با توجه به اطلاق و عمومیت آیه می‌توان دو معنای فوق الذکر را با یکدیگر جمع نمود. بدین صورت که «لیفجر امامه» (با توجه به آیه‌های قبلی) به معنای «رفع موانع پیش رو» می‌باشد (ایحسب–بل یرید) که با توجه به آیه بعدی فهمیده می‌شود که «ابهام» از مصادیق موانع پیش روی انسان است که درصدد رفع آن می‌باشد (یسئل).

انسان از ابهام احساس خطر می‌کند و ابهام او به آینده از مهم‌ترین مسائلی است که او برای غلبه بر آن تدبیرگری می‌کند. این نکته با مرور مجدد برخی آیات که مربوط به وابستگی انسان به منابع هستند، به روشنی قابل مشاهده است. در این وابستگی انسان به منابع بیان می شود که چگونه انسان متمرکز بر منابع تحت اختیار خود است. انسان از خطر آینده‌ای نامطلوب می‌ترسد (خشیه الانفاق–قتورا) [1] و به همین دلیل دسترسی به منابع را منحصر به خودش می‌نماید (لأمسکتم[2]– و اذا مسّه الخیر منوعا[3]). این که انسان اختیار دیگران را در دخل و تصرف اموال و منابعش محدود می‌کند و از آن مهم‌تر در اقدامی به ظاهر غیر منطقی –ولی قابل توجیه از نظر رفتاری– علّت موفقیت‌هایش را منحصر به خودش می‌کند، نوعی تدبیر گری او برای کاهش ریسک‌های (خطر) پیش‌بینی نشده است؛ و این نوعی تدبیر او برای رفع ابهام می‌باشد.

همچنین در مبحث «انتساب به خود» بیان می شود که انسان تمایل دارد که علّت نیل به مطلوب‌هایش را با نادیده گرفتن علّت‌های اصلی، به خودش نسبت دهد و خودش را تمام و کمال مالک و علّت آن مطلوبیت بداند. آیه‌هایی چون «لَیَقُولَنَّ هذا لی»[4] و «أُوتیتُهُ عَلی عِلْمٍ»[5] و «فخور»[6] در اثبات وجود چنین سوگیری رفتاری در انسان قابل مشاهده‌اند. جالب این جاست که در همین آیه‌ها می‌فرماید که انسان به سرعت پس از تصاحب مطلوبیت به پیش‌بینی وضعیت خودش می‌پردازد. او به صورت مطلق ادّعاهایی می‌کند که بیان‌گر دغدغه‌های درونی اوست. او بیان می‌کند که دیگر آینده از آن من شده و آینده من قابل اطمینان شده و دیگر ابهامی نسبت به آینده ندارم (لیقولنّ ذهب السیّئات عنّی[7]؛ و ما أظنّ السّاعه قائمه و لئن رجعت الی ربّی أنّ لی عنده للحسنی[8]). این آیات نشان‌گر دغدغه انسان نسبت به ابهام در آینده مطلوبیتش می‌باشند. انسان با این پیش‌بینی خوش‌بینانه‌ای با این ابهام مقابله می‌کند. همچنین طبق آیه ۲۳ و ۲۴ سوره فجر، یکی دیگر از تدبیرهای رایج انسان در مقابله با ابهام آینده، ایجاد بیمه یا همان پوشش ریسک از طریق سرمایه گذاری است. انسان وقتی خود را در شرایط ناگوار عذاب می‌بیند، پشیمان می‌شود که برای پوشش این خطر دور اندیشی نکرده است (یَوْمَئِذٍ یَتَذَکَّرُ الْإِنْسانُ وَ أَنّی لَهُ الذِّکْری). او از این که در گذشته تدبیری نکرده و سرمایه گذاری برای نامطلوب‌های آتی خود نداشته پشیمان است (یَقُولُ یا لَیْتَنی قَدَّمْتُ لِحَیاتی). آیه‌های بعدی (۲۵ و ۲۶)، پس از آن که بیان می‌کنند علّت این نیل به نامطلوب‌ها صرفاً خود انسان بوده (فَیَوْمَئِذٍ لا یُعَذِّبُ عَذابَهُ أَحَد) اشاره می‌کنند که در این جا کسی نیست که او را در برابر این نامطلوب‌ها بیمه کند (وَ لا یُوثِقُ وَثاقَهُ أَحَد). وثاق از ریشه وثق بوده (مانند وثیقه) و به معنای محافظت و بیمه در برابر نامطلوب‌ها می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۱۳، ص ۲۵ و ۲۶[9]؛ آلوسی، ج ۱۵، ص ۳۴۵[10]).

طبق بیان قرآن یکی از منشأهای مهم احساس ابهام در انسان، تغییر است. انسان‌ها هنگامی که اشیاء و پدیده‌ها از روال عادّی خود خارج می‌شوند و یا قرار است که در آینده خارج شوند شروع به پرسش و تلاش برای رفع ابهام می‌کنند. مثلاً در آیات سوره قیامت که پیشتر بحث شد، انسان آگاهی‌هایی در مورد وجود تغییر و تحول در آینده خود _در روز قیامت) پیدا می‌کند و به همین دلیل حسّاس شده و درصدد رفع ابهام بر می‌آید. قرآن نیز در پاسخ به تلاش انسان، از طریق توضیح تغییراتی که قرار است اتفاق بیافتد به

[1] آیه ۱۰۰ سوره اسراء.
[2] آیه ۱۰۰ سوره اسراء.
[3] آیه ۲۱ سوره معارج.
[4] آیه ۵۰ سوره فصلت.
[5] آیه ۴۹ سوره زمر و آیه ۵۸ سوره قصص.
[6] آیه ۱۰ سوره هود.

[7] آیه ۱۰ سوره هود.
[8] آیه ۵۰ سوره فصلت.
[9] و امّا الْوَثَاقُ بالفتح: کالسلام، اسم مصدر، و یدلّ علی ما یتحصّل من المصدر و هو الثقهٔ و الإیثاق. و أما بالکسر: فهو مصدر من المواثقهٔ.
حَتَّی اذا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِداءً– ۴۷/ ۴.
فَیَوْمَئِذٍ لا یُعَذِّبُ عَذابَهُ أَحَدٌ وَ لا یُوثِقُ وَثاقَهُ أَحَدٌ– ۸۹/ ۲۶.
ای فاجعلوا الحالهٔ الحاصلهٔ من الإیثاق شدیدهٔ و مورد ائتمان و إحکام. و الوثاق فی الآیهٔ الثانیهٔ یقابل العذاب، فی المعنی، و هما اسم مصدر من کلمتی الإیثاق و التعذیب المذکورتان فی الآیهٔ. و الضمیران یرجعان الی الإنسان فی:
یَوْمَئِذٍ یَتَذَکَّرُ الْإِنْسانُ.
و المعنی: إنّ الحالهٔ الحاصلهٔ من التعذیب و الإیثاق، و هی العذاب و الوثاق، لا تصدر من أحد و لا یوجبها أحد غیر نفسه الذی یقول: یا لَیْتَنی قَدَّمْتُ لِحَیاتِی.
و یومئذ یتذکّر الإنسان بأنّ ما له من الحالهٔ المواجههٔ الموجودهٔ، نتیجهٔ ما قدّمه من الأعمال و النیّات السیّئهٔ، و لیس مرتبطا بأحد غیره.
[10] و جوز ان یکون المعنی لا یحمل عذاب الإنسان أحد و لا یوثق وثاقه أحد کقوله تعالی وَ لا تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ أُخْری.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

انسان پاسخ می‌دهد[1] (آیه‌های ۵-۹ سوره قیامت: بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَه. یَسْئَلُ أَیَّانَ یَوْمُ الْقِیامَةِ. فَإِذا بَرِقَ الْبَصَرُ. وَ خَسَفَ الْقَمَرُ. وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ). در این آیات قصد اولیه انسان جالب است. آیات ۳ تا ۵ بیان میدارند که انسان به گونه‌ای پدیده‌ها را تفسیر می‌کند که اصل تغییر را زیر سوال ببرد. یعنی انسان در اینجا بوسیله تحریف و سوگیری در تفسیر پدیده، به مقابله با تغییر پرداخته است (أَ یَحْسَبُ الْإِنْسانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظامَهُ. بَلی قادِرِینَ عَلی أَنْ نُسَوِّیَ بَنانَهُ. بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَهُ). مجدداً اقدام انسان برای رفع ابهام ناشی از تغییر در یک پدیده را می‌توان در سوره زلزال مشاهده نمود. زلزال به معنای زلزله است. در آیات ۱ تا ۳ این سوره توضیح می‌دهد که انسان وقتی با تغییر در رفتار چیزهایی مواجه می‌شود شروع به تفحص می‌کند تا بفهمد چرا در حال تغییر هستند (إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها. وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها. وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها). از آن جا که قرآن کریم از سر حکمت، کلمات با معانی خاصّ خودشان را استفاده کرده، وجود لفظ «الانسان» در این آیات موضوعیت دارد و بیان کننده یک رفتار رایج و مشترک در عموم انسان‌ها می‌باشد. یعنی همه انسان‌ها در شرایط تغییری این چنین -که زمین از روال ثبات همیشگی خودش خارج شده و احوالش تغییر کرده- شروع به پرسش می‌کنند. همچنین سوگیری انسان در مقابله با تغییر را می‌توان در تغییر ناپذیری و سرسختی خود او نیز مشاهده نمود. تغییرناپذیری یک ویژگی منحصر به فرد برای انسان می‌باشد. قرآن کریم در جایی که می‌خواهد برای کندی پذیرش یک باور در عموم مردم استدلال نماید به این قاعده رفتاری از انسان اشاره می‌کند که انسان تغییر ناپذیرترین موجود هستی است (وَ لَقَدْ صَرَّفْنا فی هذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ وَ کانَ الْإِنْسانُ أَکْثَرَ شَیْءٍ جَدَلا)[2]. در قسمت اول این آیه (و لقد صرّفنا...) به سخت‌پذیری مردم اشاره دارد و در قسمت دوم (و کان الانسان...) به یک قاعده رفتاری از عموم انسان‌ها اشاره می‌کند که این قاعده رفتاری علّت و استدلال دیرپذیری مردم -در قسمت اول- می‌باشد (للتعلیل). جدل از نظر ریشه‌ای و لغت شناسی به معنای ادامه دادن مسیر در همان راه قبلی و به عبارتی تغییر ناپذیری می‌باشد. به همین دلیل به عمل کسانی که هنگام بحث از مواضع خود در برابر دیگری دفاع می‌کنند مجادله می‌گویند (مصطفوی، ۱۴۳۰ ه. ق، ج ۲، ص ۶۴). بنابراین، آیه ۵۴ می‌فرماید که انسان سخت‌ترین چیزی است که تغییر می‌کند؛ همه شرایط اقناع انسان فراهم شده (چون انسان عینی پذیر است و همه نوع شواهد عینی به او ارائه شده) امّا در ادامه -در آیه -۵۵ بیان می کند این ویژگی تغییر ناپذیری انسان باعث شده که برخی از مردم همچنان اصل قیامت و رخدادهای آن را انکار نمایند (وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ یُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدی وَ یَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلاَّ أَنْ تَأْتِیَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِینَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذابُ قُبُلاً). این سرسختی انسان در برابر تغییر که به انکار اصل پدیده (مثلاً قیامت) منجر شده را باید واکنش روانی و رفتاری او محسوب نمود. شواهد چنین رفتار انکار آمیزی از انسان در ردّ حقیقت‌های مختلف، مانند نعمت‌های الهی (هذا لی)، روز قیامت (و ما اظن الساعه قائمه) و مانند آن در قرآن فراوان است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

۱. ارائه مدل ترسیمی و نوع ایده‌آل

نمودار ۲ به صورت مدلی ترسیمی نکات بیان شده در مدل ابهام گریزی را بیان می‌کند.

نمودار ۲ نشان می‌دهد که ابهام موجب عدم اطمینان در تأمین مطلوبیت انسان می‌شود و از سویی دیگر، تغییر موجب ابهام می‌شود. انسان برای این که نسبت به نیل به مطلوبیت خود مطمئن باشد و ریسک کمتری متوجه آن باشد از ابهام و ریشه آن، یعنی تغییر گریزان است و برای آن تدبیر می‌کند.

این تدابیر انسانی، گاهی ناظر به مقابله با تغییر است (ستون اول از سمت چپ) که بیشتر جنبه روانشناختی دارد و شامل مواردی چون انکار تغییر بوده (مثلاً ر. ک. انکار روز قیامت علیرغم شواهد عینی و مطمئن کننده‌ای که برای آن موجود است)، یا شامل تفسیر سوگیرانه تغییر میشود. یعنی انسان شواهد تغییر را مشاهده میکند و به گونه‌ای شواهد را تحلیل میکند که مفهوم تغییر یا شدّت تغییر را به نفع خواسته خود توجیه میکند (مثلاً ر. ک. به تحلیل عدم امکان ایجاد قیامت بر اساس امکان ناپذیری جمع شدن استخوان‌ها ذیل ایحسب- ان لن نجمع عظامه). همچنین گاهی انسان مستقیما در برابر تغییری که دیگر قابل انکار و توجیه نیست مقاومت و ایستادگی می‌کند و در هرصورت تمایلی به پذیرش آن ندارد (برای مثال ر. ک. بحث جدل ذیل آیه اکثر شیء جدلاً).

از سویی دیگر، گاهی انسان به مقابله با خود ابهام می‌پردازد (ستون میانی نمودار ۲). و تدابیری چون تلاش برای روشن سازی ابهام (برای مثال ر. ک. بحث ذیل آیه لیفجر امامه)، پیشگیری از ابهام آینده بوسیله پوشش ریسک (برای مثال ر.

[1] این تناسب میان سوال انسان (ابهام در اثر ایجاد تغییر) و نوع پاسخ قرآن (بیان تغییرات) از لطائف قرآن کریم است.

[2] سوره کهف، ایه ۵۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

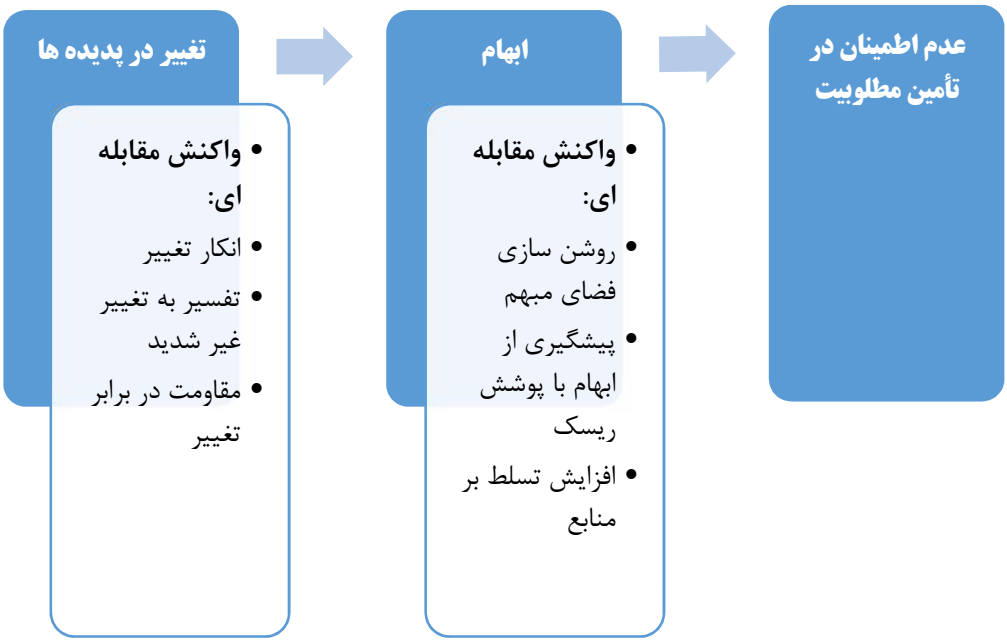

نمودار ۲. مدل ابهام گریزی

ک. بحث ذیل آیه قدّمت لحیاتی)، افزایش تسلط خود بر منابع (برای مثال ر. ک. آیه‌های انتساب به خود و تصاحب) خواهد داشت.

همه این تلاشها در کاهش عدم اطمینان نسبت کسب مطلوبیت‌های انسان است. مدل ابهام گریزی نشان داده شده در نمودار ۲ را می‌توان به صورت نگاره ۵ (در پایین) در ساختار نوع ایده‌آل، به عنوان یک مدل توصیفی رفتار انسان بازنویسی نمود و توضیح داد. اهمیت این نگاره در آن است که روشن می‌سازد که مدل ابهام گریزی –بدست آمده– هفت شاخص عمومی مدلهای توصیفی رفتار انسان را دارا می‌باشد (ر.ک. ادبیات نظری).

لازم به توجه است که نظریه شناخته شده تصدیق خود[1] وجوه مشترکی با مدل ابهام گریزی انسان دارد. در این نظریه بیان می‌شود که انسان‌ها نسبت به ابهام در رفتار افراد پیرامون‌شان حسّاسند و برای آن تدبیر می‌کنند. آن‌ها در شرایط ابهام زیاد، برای این‌که بتوانند رفتار افراد پیرامون خودشان را از ابهام خارج سازند تلاش می‌کنند که تصویری از خودشان به ایشان معرفی کرده (حتی اگر تصویری منفی باشد) و از آن تصویر محافظت نمایند[2]. در مدل ابهام گریزی نیز در همین راستا به تلاش انسان برای روشن سازی ابهام جهت کسب اطمینان اشاره می‌شود؛ البته آن چه که مدل ابهام گریزی را متمایز می‌کند این است که در آن، رابطه بین تغییر، ابهام و عدم اطمینان در کسب مطلوبیت به صورت یکپارچه و به صورت علّی–معلولی بیان شده و در نتیجه، واکنش‌های رفتاری انسان در قبال هرکدام از این متغیرها قابلیت پیش‌بینی پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر، می‌توان به این سه متغیر به صورت یکپارچه و در یک راستا نگریست که هر کدام ابعادی از یک حقیقت واحد و مشترک می‌باشند. همچنین بر اساس مدل ابهام‌گریزی می‌توان رفتارهای انسانی در تأمین امنیت را به چگونگی حسّاسیت او به ابهام و تغییر نسبت داده و تحلیل نمود. مثلاً تمایلات انسانی در تسلط بیشتر بر منابع، اقدامات انسان‌ها در استفاده از بیمه و تکنیک‌های پوشش دهنده ریسک در بازارهای کالا و مالی، اقدامات سازمان‌ها در ادغام عمودی و مانند این‌ها از مواردی هستند که به نوعی به یکی از سه متغیر تغییر، ابهام، اطمینان در تأمین مطلوبیت تکیه می‌کنند و این مدل می‌تواند تحلیل عمیق‌تری از چرایی چنین واکنش‌ها و رفتارهایی ارائه نماید. از سویی دیگر، مدل ابهام‌گریزی به مطرح‌ترین و مهم‌ترین موضوعات علمی مورد توجه مدیریت یعنی تغییر، ابهام و اطمینان می‌پردازد. اطمینان مبنای بسیاری از نظریات شناخته شده همچون نظریه کاهش عدم اطمینان[3] و نظریه ناهماهنگی شناختی[4] می باشند. همچنین موضوع

[1] Self-Verification Theory

[2] ر.ک. Swann، ۲۰۱۲؛ Joiner، ۱۹۹۵؛ Swann & others، ۱۹۸۹.

[3] جهت اطلاع از مبانی نظری نظریه کاهش عدم اطمینان (Uncertainty Reduction Theory) و نقشی که ابهام ادراک شده انسان در آن دارد، به عنوان نمونه ر.ک: کلرمن و رینولدز، ۱۹۹۰؛ برشر، ۲۰۰۱؛ پلن آلپ، ۱۹۸۸.

[4] جهت اطلاع از جایگاه ابهام در مبانی نظری نظریه ناهماهنگی شناختی (Cognitive Dissonance Theory) به عنوان نمونه ر.ک: فستینگر، ۱۹۵۷؛ فستینگر، ۱۹۵۹؛ فستینگر، ۱۹۶۴.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

HUMAN (s) Usually	*Because of situations (X)*	*Behave as (Y)*
انسان معمولاً	به علّت X (شرایط و حالات مشخّص شده)	رفتار مشخّص Y دارد
انسان معمولاً	• انسان متمایل به اطمینان در تأمین مطلوبیت‌هایش هم در وضعیت موجود و هم در آینده خود بوده و برای آن پیش تدبیری می‌کند. • از عوامل مهمی که اطمینان خاطر انسان را نسبت مطلوبیت‌هایش مخدوش می‌کند ابهام در رفتار موجود و یا آتی پدیده‌هاست. • تغییرات بالفعل و بالقوه عامل ایجاد ابهام برای انسان نسبت به آینده پدیده‌ها می‌باشند؛ به همین دلیل انسان در سوگیری های خود تغییر گریز است. همچنین انسان هنگامی که در شرایط مطلوبش قرار داشته باشد تمایل دارد که آن تغییرات را نشانه‌ای برای اطمینان در آینده خود تفسیر نماید. • بنابراین انسان در شرایطی که احساس می‌کند تغییری در روند رفتاری پدیده‌ای رخ داده و یا رخ خواهد داد، به تناسبی که آن پدیده را مؤثر بر مطلوبیت‌های خودش بداند... • احساس عدم اطمینان داشته و برای رفع آن، یا با تغییر مقابله می‌کند که شامل: انکار تغییر، تفسیر سوگیرانه و تعدیل کننده تغییر، مقاومت در برابر تغییر می‌باشد؛ و یا برای رفع ابهام اقدام می‌کند که شامل: تلاش برای روشن سازی ابهام، پیشگیری از ابهام آینده بوسیله پوشش ریسک، افزایش تسلط خود بر منابع می‌باشد. بنابراین انسان در شرایطی که احساس می‌کند تغییری در روند رفتاری پدیده‌ای رخ داده و یا رخ خواهد داد، به همان میزان که آن پدیده را مؤثر بر مطلوبیت‌های خودش بداند...	• احساس عدم اطمینان داشته و برای رفع آن، یا با تغییر مقابله می‌کند که شامل: انکار تغییر، تفسیر سوگیرانه و تعدیل کننده تغییر، مقاومت در برابر تغییر می باشد؛ و یا برای رفع ابهام اقدام می‌کند که شامل: تلاش برای روشن سازی ابهام، پیشگیری از ابهام آینده بوسیله پوشش ریسک، افزایش تسلط خود بر منابع می‌باشد.

نگاره ۵. نوع ایده‌آل مدل ابهام گریزی

ابهام و تغییر–همچون ابهام و تغییر موجود در محیط و یا پیش‌بینی ناپذیری متغیرهای درون و بیرون سازمان– و چگونگی مدیریت آن‌ها از موضوعات اساسی دهه‌های اخیر مدیریت بوده‌اند. برای این موضوع گرایش‌های تخصصی در علم مدیریت –مانند مدیریت تحول، مدیریت ریسک و مانند آن‌ها– ایجاد شده‌اند و مباحث مدیریت تغییر، مدیریت ابهام، پیش‌بینی ناپذیری، نظریه آشوب، جایگزینی استراتژی به جای برنامه ریزی، سازمان‌های یادگیرنده، نگرش سیستم‌های پویا به جای سیستم‌های ایستا به محیط، رویکرد مکاتب جدید استراتژی بجای مکاتب قدیمی‌تر آن ریشه در جایگاه ابهام و تغیر و نسبت آنها با مطلوبیت انسان دارند.

۲. پیشنهادات تحقیق

این تحقیق بر اساس کلیدواژه «الانسان» و با محور قرار دادن مفهوم «مدل توصیفی رفتار انسان» به بررسی و یک تبیین از رفتار انسان پرداخته است. در اثنای تحقیق مشخص شد که میتوان ابعاد دیگر این مدل را با محور قرار دادن برخی کلیدواژه‌های دیگر باز هم با تفصیل بیشتری روشن‌تر نمود. کلیدواژه «اطمینان» از مهمترین کلیدواژه هایی است که دغدغه عمده انسان را نسبت به ابهام نمایش می‌دهد. یعنی طبق مدلی که در بالا ذکر شد، علت اصلی واکنشهای ابهام‌گریزانه انسان، «عدم اطمینانی است که نسبت به مطلوبیت‌های خود احساس کرده است». بنابراین این کلیدواژه در متن قرآن ارتباط تنگاتنگی به این دغدغه انسانی پیدا میکند. همچنین توصیه می‌شود که ابهام گریزی انسان بر اساس روایات اهل بیت ع نیز مورد پژوهش قرار گرفته و نتایج آن با این تحقیق مقایسه شوند.

از سویی دیگر، این تحقیق بر اساس آیات قرآن کریم به تبیین روابطی علّی معلولی میان تغییر در پدیده‌ها، ابهام، و عدم اطمینان در نیل به مطلوبیت در انسان پرداخته است. آزمون تجربی وجود چنین رابطه علّی میان متغیرهای سه گانه فوق به شرحی که در مدل این پژوهش آمده است، هم موجب افزایش اعتبار علمی (*Validity*) دستاوردهای این پژوهش می‌شود، هم این که از این طریق می‌توان ابعاد دقیقتر و با جزئیات بیشتری از سه متغیر فوق بدست آورد.

مدل ابهام گریزی یک مدل «توصیفی» از رفتار انسان است. در مدل‌های توصیفی صرفا به انعکاس علل و پیامدهای رفتاری بروز رفتار در انسان‌ها می‌پردازند. بنابراین دغدغه و سوالی که این پژوهش به دنبال آن در متن قرآن کریم به جستجو و کنکاش پرداخته در این راستا بوده است. اما بیان شد که هرکدام از مدلهای توصیفی رفتار مبنای بسیار مناسبی جهت توسعه مدلهای تجویزی متعدد هستند. به عنوان مثال در مدل ابهام گریزی، چه متغیرهایی را –به عنوان تکنیک و روش– در این مدل وارد نموده تا انسان‌ها ابهام کمتری را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

تجربه کنند، یا مقاومت کمتری در برابر تغییر داشته باشند و یا این‌که اطمینان بیشتری را نسبت به مطلوب‌های خود داشته باشند. توصیه می‌شود جهت نیل به مدلهای تجویزی مربوط به ابهام گریزی انسان، بر اساس آیات قرآن کریم پژوهشی مستقل و در این راستا (استخراج مدلهای تجویزی مربوط به ابهام گریزی انسان) انجام گرفته و همچنین از طریق آزمون‌های تجربی و علمی بر تعداد این مدل‌ها افزوده گردد.

References

Abdollahi Neisiani, Ali (2015). Identifying and Explaining Descriptive Models of Human Behaviors in Qur'an. Ph.D dissertation. Qom: Research Institute of Hawzeh and University. (Persian)

Aloosi, Sayyed Mahmood (1994). Rooh ol Ma'ani fi Tafsir el Qur'an el Azim. Beirut: Dar ol Kotob el Alamiah. (Arabic)

Ansarian, Hussain (2004). Quran Translation. Qom: Osweh.

Baran, S. J. , & Davis, D. K. (1995). Mass communication theory; foundations, ferment, and future (4th ed.). Wadsworth Pub. Co. P 251.

Brashers, D. (2001). Communication and Uncertainty Management. J Communication, 51 (3), 477-497.

Carlile, P. R. , & Christensen, C. M. (2005 , February). The Cycles of Theory Building in Management Research. Harvard Business School Working Paper, No. 05-057.

Chandan, J. (2005). Organizational Behaviour (3rd ed.). Delhi: Vikas Publishing House Pvt. Ltd.

Festinger, L. (1957). A Theory of cognitive dissonance. Stanford, CA: Stanford University Press.

Festinger, L. (1959). Some attitudinal consequences of forced decisions. Acta Psychologica, 15, 389-390.

Festinger, L. (Ed.). (1964). Conflict, decision, and dissonance (Vol. 3). Stanford University Press.

Griffin, R. W. , & Moorhead, G. (1986). Organizational behavior. Boston: Houghton Mifflin Co.

Hersey, P. , & Blanchard, K. H. (1977). Management of organizational behavior: Utilizing Human Resources (third ed.). Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc. Holly Qur'an (Arabic).

Joiner, T. (1995). The price of soliciting and receiving negative feedback: Self-verification theory as a vulnerability to depression theory. Journal Of Abnormal Psychology, 104 (2), 364-372.

Kahneman, D. (2003). Maps of Bounded Rationality: Psychology for Behavioral Economics. American Economic Review, 93 (5), 1449-1475.

Kaplan, A. (1964). The conduct of inquiry: Methodology for behavioral sciences. San Francisco: Chandler.

Kellermann, K. , & Reynolds, R. (1990). When Ignorance Is Bliss The Role of Motivation to Reduce Uncertainty in Uncertainty Reduction Theory. Human Communication Research, 17 (1), 5-75.

Moradi Zanjani, hossein; Lesani Fesharaki, Mohammad Ali. Ravesh Tahghegh Mozoee dar Quran Karim (2012). Qom: Boostane Ketab. (Persian)

Mostafavi, Hassan (2009). Altahghigh fi Kalemat el Qur'n el Karim (4th ed.) Beirut: Dar ol kotob el Alamiah. (Arabic).

Nadler, D. , & Tushman, M. (1980). A model for diagnosing organizational behavior. Organizational Dynamics, 9 (2), 35-51.

Newman, Lawrence W (2006). Social research methods : qualitative and quantitative approaches. (Trns. By: DanayeiFard, Hassan; Kazemi Sayyed Hossein). Tehran: Mehraban Pub.

Olguín, D. O. , Gloor, P. A. , & Pentland, A. (2009). Capturing Individual and Group Behavior with Wearable Sensors. AAAI Spring Symposium: Human Behavior Modeling, 68-74.

Planalp, S. , Rutherford, D. , & Honeycutt, J. (1988). Events That Increase Uncertainty in Personal Relationships II Replication and Extension. Human Communication Research, 14 (4), 516-547.

Robbins, S. , & Judge, T. (2013). Organizational behavior (15th ed.). Boston: Pearson.

Severin, W. J. , & Tankard, J. W. (1997). Communication theories: Origins, Methods, and uses in the mass media (4th ed.). New York: Longman.

Shoemaker, Pamela; James, William Tankard; Dominic, Lasorsa (2003). How to Build Social Science Theories. (Trns. By:Abdollahi, Mohammad). Tehran: Sociologists Pub. (Persian).

Simon, H (a) (1957). Administrative behavior: A study of Decision -Making Process in Administrative Organization (2nd ed.). New York: Macmillan.

Simon, H (b) (1957). A Behavioral Model of Rational Choice. In: Models of Man, Social and Rational: Mathematical Essays on Rational Human Behavior in a Social Setting. New York: Wiley.

Simon, H. (1955). A Behavioral Model of Rational Choice. The Quarterly Journal Of Economics, 69 (1), 99.

Simon, H. (1979). Information Processing Models of Cognition. Annu. Rev. Psychol. , 30 (1), 363-396.

Simon, H. (1991). Bounded Rationality and Organizational Learning. Organization Science, 2 (1), 125-134.

Swann, W. , Pelham, B. , & Krull, D. (1989). Agreeable fancy or disagreeable truth? Reconciling self-enhancement and self-verification. Journal Of Personality And Social Psychology, 57 (5), 782-791. Swann, W. B. , Jr. (in press). Self-verification theory. In: Van Lange, P. , Kruglanski, A. , & Higgins, E. (2012). Handbook of Theories of Social Psychology (Vols. 2). London: SAGE Publications Ltd. Ch 27: pp 23-42.

Tabatabayei, Sayyed mohammad hossein (1995). Almizan fi Tafsir el Qur'an. (Trns. By: Moosavi Hamedani, Sayyed Mohammad Bagher). Qom:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

Zhang, Y. , & Wildemuth, B. M. (2009). Qualitative analysis of content. In B. Wildemuth (Ed.) , Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science (pp. 308-319). Westport, CT: Libraries.

Islamic pub of Qom Professors Society Office. (Persian).

Tabatabayei, Sayyed mohammad hossein (1996). Almizan fi Tafsir el Qur'an. Qom: Islamic pub of Qom Professors Society Office. (Arabic).

Tehrani, Mohammad (1986). Alforghan fi Tafsir el Qur'an belQur'n va Sonnah. Qom: Islamic Culture Pub. (Arabic).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]

Human Information Interaction. Vol. 4, No. 2
http://hii.khu.ac.ir
Original Article

Ambiguous Aversion; A Descriptive Model of Human Behaviour based on Quran

Ali Abdollahi Neisiani: PhD, Research Institute of Hawzah and University, Gom, Iran (Corresponding author).
a.abdollahy@gmail.com
Ali Rezaeian: Professour, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Abstract

Background and Aim: The current study aimed to investigate "ambiguous aversion behavior" based on Quran explains. The lack of "Descriptive Models of Human Behaviour" (DMHB) is one of the oldest anomalies in behavioral sciences. It's because different scientific demands to understand, predict and control human behavior. Specially, ambiguous aversion that is a common behavior and extremely influences different scientific issues.

Methods: The methodology and all the steps of this research in preparing, organizing text, studying, and documentation, coding, abstraction and final conclusions are based on qualitative content analysis. The model is identified and explained thorough the deep studies in scientific literature of DMHB and Quran text. Quran in this research is the source of idea to find DMHB; also the guide of explaining DMHB.

Results: The results showed that 814 phrase of Quran (Ayah) are related to DMHB and ambiguous aversion behavior. The final model could be explained in the scientific standard structure -as "Ideal Type of DMHB"- so its Comprehensiveness to explain a behavioral model is approved. Also, its relations to other renowned theories is discussed.

Conclusion: According to the results, in this paper we developed new model of "Ambiguous Aversion" that describes why people tend to resist against changes and ambiguous situations; and what their behavioral strategies are. The basic reason of ambiguous aversion is avoiding uncertainty to owning utilities. And human feels uncertainty when he feels situational changes. His behavioral strategies against change are: change denial, interpreting not important change, change resistance. Also his direct behavioral strategies against ambiguous are: clarification, Risk coverage and resource possessing.

Keywords: Descriptive model of human behavior, Ambiguous aversion, Change, Qualitative content analysis, Quran.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1396.4.2.1.4]